

۱۵۵۲۲۹۳
۱۴۰۳/۲/۱۷

هوش مالی

www.ketab.ir

رابرت تی. کیوساکی

مترجم: سحر هدایتی

انتشارات نیویج

سرشناسه	کیوساکی، رابرت تی، ۱۹۴۷ - م. Kiyosaki, Robert T.
عنوان و نام پدیدآور	هوش مالی / رابرت تی. کیوساکی؛ مترجم سحر هدایتی
مشخصات نشر	تهران: تیموری، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۶۰ ص.: جدول، ۱۴ × ۲۱ س. م.
شابک	۵-۳۱-۶۶۲۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی: increase your financial IQ
یادداشت	چاپ قبلی: تهران: آسو، ۱۳۹۴.
موضوع	امور مالی شخصی - دستنامه ها
موضوع	Finance, Personal - Handbooks, manuals, etc:
شناسنامه افزوده	هدایتی، سحر، ۱۳۶۰ - مترجم
رده بندی کنگره	HG ۱۷۹ / ک ۹ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	۲۳۲ / ۰۲۴۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۱۸۹۹۵



نام کتاب : هوش مالی
 نویسنده : رابرت تی. کیوساکی
 مترجم : سحر هدایتی
 نوبت چاپ : سیزدهم
 سال چاپ : ۱۴۰۳
 شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
 چاپخانه : نقش نیزار
 قیمت : ۲۱۸۰۰۰ تومان
 شابک : ۵-۳۱-۶۶۲۹-۶۰۰-۹۷۸
 ISBN : 5-31-6629-600-978

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی، جنب ایستگاه مترو، کوچه جنتی،
 پلاک ۲۶، واحد ۵؛ تلفن: ۶۶۵۶۷۷۷۰؛ دورنگار: ۶۶۵۶۷۷۷۱

فهرست

۴	پیش‌گفتار
۹	یادداشت مؤلف
۱۲	مقدمه
۱۶	فصل ۱- هوش مالی چیست؟
۳۷	فصل ۲- پنج هوش مالی
۴۹	فصل ۳- ضریب هوش مالی نوع اول: بیش‌تر پول درآوردن
۷۰	فصل ۴- هوش مالی نوع دوم: حفاظت از پول
۹۶	فصل ۵- هوش مالی نوع سوم: بودجه‌بندی پول
۱۲۱	فصل ۶- هوش مالی نوع چهارم
۱۵۶	فصل ۷- هوش مالی نوع پنجم: ارتقای اطلاعات مالی
۱۸۲	فصل ۸- انسجام پول
۱۹۴	فصل ۹- پرورش نبوغ و استعداد مالی
۲۲۷	فصل ۱۰- پرورش هوش مالی چند کاربرد عملی
۲۳۷	مؤخره- چاپ پول

پیش‌گفتار

دیدگاه یک سرمایه‌دار از آموزش

با یکی از شدیدترین بحران‌های مالی تاریخ کشورمان مواجه‌ایم، بحرانی که توان آن را دارد نه تنها بر حیات ما که بر حیات نواذگان ما اثر گذارد. نمی‌دانم چه‌گونه بر این نکته انگشت تأکید بگذارم که این زیر و زیر شدن اقتصادی فقط یک آشفتگی اعتبارات نیست که بحرانی برای روح نظام سرمایه‌داری است. همان‌گونه که سن برنارد از کلیرواکس هشدار می‌دهد: "دوزخ آکنده از نیت یا آرزوهای خوب است و متأسفانه امروزه در آمریکا نیت خوب همه چیز دارد مگر تصمیمات آگاهانه را. این نیست مگر نگاه به شدت ساده‌لوحانه به اصطلاح رهبران ما به این بحران اقتصادی که ما را در خود فرومی‌بلعد. در نتیجه بسیاری از ما دچار آسیب شده‌ایم به سبب آن‌چه دولت و رهبران بازرگانی ما انجام داده‌اند که هم موجب این بحران اقتصادی شده و هم با کوشش‌های‌شان برای جبران خسارت موجب تشدید آن شده‌اند.

به واقع این یک تراژدی است که رهبران شجاع پرتلاش مثل رونالد ریگان برای تقویت دلار و گشوده‌تر کردن کانال‌های بازار آزاد سرمایه‌داری توسط سیاست‌مداران و دیوان‌سالارانی که بیش‌تر نگران خواسته‌های خود هستند تا هدایت جامعه کنار گذاشته شده است. هم اکنون مسیرهای سرمایه‌داری و بازارهای آزاد توسط موجی از فریب سوسیالیستی شکسته و ویران شده است.

دولت ایالات متحده امروزه به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده وام و بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌گر در کشور تبدیل شده است و به زودی مالک دارایی‌های شرکت‌های ورشکسته‌یی است که چاره‌یی ندارند مگر اموال دست دوم‌شان را به دولت آن هم به لطف الزامات قانونی مصادره اموال به جهت ناتوانی در پرداخت بدهی واگذار کنند.

اما تراژدی بزرگ‌تر از بحران اعتبار یا حتی سقوط نظام سرمایه‌داری، همان نظامی که چنین رفاهی را برای مردم آمریکا به ارمغان آورد، تراژدی عدم درک آن‌چه واقع شده و تلخ‌تر چرا این حادثه رخ داده است که به تبع آن نمی‌دانیم چه‌گونه باید در قبال این بحران از خود و اقتصادمان حمایت کنیم و از آن‌جا که بسیاری از ما این امر را در نمی‌یابیم، بسیاری از فرصت‌هایی که پیش می‌آید از دست می‌دهیم و در نتیجه این گرفتاری ادامه پیدا می‌کند توانایی درک رؤیای آمریکایی - آن‌گونه که به زیبایی توسط آبراهام لینکلن بیان شده که «هر آمریکایی باید آن فرصت را داشته باشد تا سهم خود را در زندگی بهبود بخشد» به شدت بر اثر نبود آموزش مالی آسیب دیده است. همان‌گونه که پیامبر هوسی^۱ به فصاحت بیان داشته: "مردم من به سبب نداشتن دانش، هلاک می‌شوند."

پس راه‌حل در کجاست؟ چه‌گونه می‌توان روح تحلیل رفته سرمایه‌داری را احیا کرد؟ همه شیوه‌هایی را که باید در پیش گرفت تا مانع از نابودی اقتصاد شد؟ پاسخ مانند بسیاری از راه‌حل‌های بخردانه و مؤثر ساده است: آموزش. این آموزش است که دانش لازم را فراهم می‌آورد تا موانعی را که در برابر فرصت‌ها ایستاده برداریم. زیرا به لطف آموزش می‌توان قیودات محدودکننده نیت خیر را برداریم و عمل‌گرایی کارآمد و آگاهانه را در اختیار بگیریم که تنها دانش و فهم مسایل می‌تواند به ارمغان آورد.

برای بسیاری کلید دستیابی به زندگی سرشار و بهره‌مندی از امنیت اقتصادی درک این نظام و این نکته است که چه‌گونه آن را برای خود فعال گردانند. برای کسب درک مالی، همان‌طور که رابرت به روشنی بیان می‌کند تقویت ضریب هوش مالی است که خود یک فرایند عمده است. نیازی نیست که نابغه باشید تا

در این فرایند حضور یابید. فقط کافی است آماده، متمایل و توانایی فراگیری داشته باشید.

دانش عملی و کاربردی از امور مالی و اقتصادی قبولی یا مردودی ندارد. مسأله این نیست که شما این دانش را دارید یا نه. این یک فرایند دو سویه یادگیری و به کارگیری یافته‌ها درباره پول، مسایل مالی و اقتصادی است و این که چه گونه این امور و شیوه‌های پاسخ‌گویی و عمل به آن‌ها بر همه وجوه حیات شما اثر می‌گذارد. هر چه بیش‌تر بدانید، مجهزتر می‌شوید تا ثروت‌مندتر شوید، هر چه ضریب هوش مالی‌تان بالاتر رود، عملکرد مالی‌تان بهبود می‌یابد.

آموزش مالی فقط اعداد و ارقام و برگه‌های مالی نیست. اگرچه مسلماً این‌ها بخشی از این امر است که چه گونه کسب و کار و دولت عمل می‌کنند (یا در صورت دیگری عمل نمی‌کنند) و نیز آگاهی بر تاریخ، بشریت و طبیعت بشری، هنر، موسیقی، مکانیک در کنار آگاهی‌های دیگر است. برای آن‌که شهروندی کامل، سالم و فرهیخته باشید لازم است دانش فراگیر و کل‌نگر داشته باشید که نه تنها بر اعداد ارقام تمرکز کنید که نیز بر خود روح نیز متمرکز شوید. آموزش فراگیر دارای ارزش است و چنین آموزشی می‌تواند سودمند واقع شود تا استعدادهاى خداداد خود را کشف و در حد کمال توسعه بخشید. به عنوان یک حامی و طرفدار سرمایه‌داری دموکراتیک بر این باورم که آموزش برای رفاه اقتصادی کشور، امری حیاتی است و نیز برای استمرار نقش آمریکا به عنوان راهنمایی درخشان در این جهان تیره و تاریک ضرورت تام دارد. اگر قرار است مردم توانایی‌های کامل خود را بازشناسند، آموزش امری اساسی به شمار می‌رود و اگر قرار است افراد مسؤولیت کامل شرایط خود را داشته باشند و در توفان اقتصادی که درگیر شده‌ایم خود را نجات دهیم و به رونق اقتصادی برسیم یک ضرورت است.

به همین روی است که نویسنده این کتاب رابرت کیوساکی را می‌ستایم که برای آگاه‌سازی مردمی می‌کوشد که می‌خواهند زندگی‌شان را تغییر دهند، امنیت مالی به دست آورند و منابع مالی زندگی‌شان را بهبود بخشند و بر مبنای رویاهای شان زندگی کنند و شما که این اثر را می‌خوانید و مسیر درست برای

بهبود زندگی خود در کشورتان حرکت می‌کنید. شما را نیز می‌ستایم. از این کتاب بهره‌گیرید و می‌دانم طریقی برای کسب دانش و درک بهتر زندگی است.

من اولین بار رابرت را در سال ۲۰۰۴ ملاقات کردم. ما در سال ۲۰۰۶ با هم کتابی پرفروش نوشتیم. وقتی به سال ۲۰۰۸ رسیدیم، برایم روشن‌تر شد آن‌چه رابرت درباره‌اش صحبت و تدریس می‌کند مهم‌تر از همیشه است. آموزش مالی در این برهه برای این کشور بسیار مهم است و ذکاوت رابرت را در این زمینه نمی‌توان مورد تردید قرار داد.

فقط به آن‌چه درباره‌اش بحث کردیم توجه کنید. چرا می‌خواهیم ثروتمند باشید و بعد نگاه کنید که از آن به بعد چه اتفاقی می‌افتاد. می‌خواهم بگویم می‌دانستیم درباره‌چه حرف می‌زنیم. رابرت با پدر ثروتمند، هوش مالی شما را تقویت می‌کند، شما را یک گام جلوتر می‌برد و دلیل کافی دارم تا باور داشته باشم او یک پیشگوست همان‌طور که در سال ۲۰۰۶ بود و توصیه می‌کنم به آن‌چه می‌گوید، توجه کنید.

من و رابرت دلبستگی مشترکی داریم و به عنوان معلم و تاجر، مسیرهای مشابهی را پیموده‌ایم. هردوی ما پدران ثروتمندی داشته‌ایم که یاری‌مان دادند زندگی، آرزوها و موفقیت خود را شکل دهیم. هر دو تاجریم و سرمایه‌گذاران املاک و موفقیم چون آموزش مالی دیده‌ایم و بر اهمیت آموزش و قوف داریم و در قبال آموخته‌ها و آموزه‌های مان جدی هستیم. رابرت گفته است، آموزش عالی است که افراد را قادر می‌سازد تا اطلاعات مالی را پردازش کنند و آن را به آگاهی تبدیل کنیم... و بیش‌تر مردم اطلاعات مالی ندارند و نیاز دارند مسئولیت زندگی‌شان را عهده‌دار شوند.

آن‌چه در مورد رابرت متوجه شدم این است که او مغرور نیست، در حال حاضر خیلی موفق است، چون کارش را دوست دارد. این یکی دیگر از وجوه مشترک ماست.

این خوش‌شانسی شماست که او توصیه‌های خوب بسیاری برای‌تان دارد. همان‌طور که در چرا می‌خواهیم ثروتمند باشیم گفته‌ام، نادیده داشتن آگاهی و محرمانه نگه داشتن آن چیست؟ رابرت جواب این سؤال را در همه کتاب‌هایش

داده و شما خوش شانس هستید که آن را با شما در میان می‌گذارد. یکی از اولین گام‌ها برای ثروتمند شدن استفاده زیرکانه‌تر از پول، سود جستن از فرصت‌هایی است که خود را نشان می‌دهند. دقیقاً همین اکنون فرصت بزرگی را در اختیار دارید: خواندن و به کار بستن توصیه‌های کتاب هوش مالی‌تان را تقویت کنید رابرت است که توجه به توصیه‌هایش شما را در مسیر درست آزادی مالی قرار خواهد داد و در مسیر درست رسیدن به موفقیتی بزرگ. ضمناً یادتان نرود که بزرگ فکر کنید، تا خود را در حلقه پرنندگان ببینید.

یادداشت مؤلف

پول شیطانی نیست

یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های نظام آموزشی کم‌توجهی به فراهم آوردن آموزش درباره امور مالی به دانش‌آموزان است. معلمان به نظر می‌رسد فکر می‌کنند پول نوعی ماهیت شبه دینی یا بت‌مانند دارد، باور دارند پول دوستی ریشه همه فسادهاست.

همان‌طور که پیش‌تر ما می‌دانیم، دوست داشتن پول نیست که بد و شیطانی است، نداشتن پول است که باعث بدبختی و شرارت می‌شود. اشتغال به کاری که دوستش نداریم شیطانی است. سخت کار کردن و پول کمی در آوردن برای تأمین خانواده مان بدبختی است. همه باور داریم زیر بار قرض بودن بدبختی است، جدال بر سر پول شیطانی است، طماع بودن شیطانی است و ارتکاب اعمال مجرمانه و غیراخلاقی برای به دست آوردن پول، شیطانی است. با این حال پول فی‌نفسه بد نیست. پول فقط پول است.

خانه‌تان دارایی نیست

نداشتن آموزش مالی باعث می‌شود مردم کارهای احمقانه انجام دهند یا افراد نادان گمراه‌شان کنند. برای مثال در ۱۹۹۷ وقتی برای اولین کتاب پدر ثروتمند پدر فقیر را منتشر کردم و گفتم خانه‌تان یک دارایی نیست، خانه یک بدهی است، فریادهای اعتراض شروع شد. من و کتابم شدیداً مورد انتقاد قرار گرفتیم. بسیاری از کارشناسان مالی خودخوانده در رسانه‌ها به من انتقاد کردند.

ده سال بعد در ۲۰۰۷، وقتی بازارهای تجاری درهم شکستند و میلیون‌ها نفر در سقوط آزاد مالی بودند، بسیاری خانه‌های شان را از دست می‌دادند، برخی اعلام ورشکستگی کردند، بعضی‌ها بدهی روی خانه‌شان از ارزش آن بیش‌تر بود. این افراد با کمال تأسف در یافتند که خانه‌شان در واقع دین و بدهی است، نه دارایی.

دومرد یک پیام

در سال ۲۰۰۶، من و دوستم دونالد ترامپ^۱ کتابی به نام چرا می‌خواهیم شما ثروتمند باشید نوشتیم. کتاب در این باب سخن می‌گفت چرا طبقه متوسط ورشکست می‌شود و دلیل این افت به نظر ما چیست، ما گفتیم بسیاری از دلایل ورشکستگی در بازارهای جهانی، دولتی و مالی بود. رسانه‌ها به این کتاب هم حمله کردند، اما در سال ثابت شد که بیش‌تر گفته‌های مان درست است و حقیقت پیدا کرد.

توصیه منسوخ

امروز، بسیاری از کارشناسان امور مالی هم چنان پیشنهاد می‌دهند: سخت کار کنید، پول پس انداز کنید، زیر بار بدهی نروید، پایین‌تر از امکانات‌تان زندگی کنید و در انواع اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کنید. مشکل این توصیه این است که توصیه بدی است، صرفاً به خاطر این‌که یک توصیه کهنه و منسوخ است. قوانین پولی تغییر کرده است. این تغییر از سال ۱۹۷۱ اتفاق افتاد. امروز یک نظام سرمایه‌داری جدید وجود دارد. پس انداز کردن، بیرون آمدن از زیر بار بدهی و تنوع بخشیدن به حوزه سرمایه‌داری قدیم تعلق دارد. آن‌هایی که از قانون «سخت کار کردن و پس انداز کردن» نظام سرمایه‌داری قدیمی پیروی می‌کنند، از نظر مالی در حوزه و عصر سرمایه‌داری جدید با دشواری مواجه می‌شوند.

اطلاعات در مقابل آموزش

عقیده مؤلف در دنیای امروز این است که عدم وجود آموزش‌های امور مالی در نظام آموزشی ما دردناک و باعث شرمندگی است، آموزش در زمینه مسایل مالی قویاً برای بقا ضروری است. صرف‌نظر از این‌که فقیریم یا ثروتمند، باهوش هستیم یا نه.

همان طور که می دانیم، امروز در عصر اطلاعات زندگی می کنیم، مشکل عصر اطلاعات، اضافه بار اطلاعات است. امروز، حجم وسیعی از اطلاعات وجود دارد، معادله زیر نشان می دهد چرا آموزش مسایل مالی خیلی مهم است.

$$\text{آگاهی} = \text{آموزش} + \text{اطلاعات}$$

بدون آموزش در زمینه امور مالی، مردم نمی توانند اطلاعات را پردازش و به دانش مفید تبدیل کنند. بدون آگاهی و دانش در زمینه امور مالی، مردم کارهایی می کنند مثل خریدن خانه و فکر می کنند خانه شان دارایی است یا پس انداز می کنند بدون این که بفهمند از ۱۹۷۱ پول شان دیگر پول نیست، بلکه یک جریان جاری است یا نمی دانند تفاوت بین بدهی خوب و بدهی بد را یا چرا ثروت مندترین سرمایه گذار در جهان وارن بوفت^۱ به تنوع سرمایه گذاری روی نمی آورد.

بزه های جهنده

بدون دانش مالی مردم دنبال کسی می گردند تا به آنان بگویند چه کنند و چیزی که بیش تر کارشناسان امور مالی توصیه می کنند صحبت کار کردن، پس انداز کردن، زیر بار بدهی رفتن، پایین تر از حد متوسط زندگی کردن و سرمایه گذاری در عرصه های مختلف است. مثل بزه های مقلد و کور صرفاً از رهبران پیروی می کنند، مسابقه می دهند در پرتگاه ها از هم پیشی می گیرند و به درون اقیانوس بلاتکلیفی مالی می جهند به امید این که به طرف دیگر اقیانوس برسند.

این کتاب درباره توصیه مالی نیست

این کتاب به شما نخواهد گفت چه کنید، این کتاب شما را در مسایل مالی هوشیارتر می گرداند. این کتاب درباره باهوش تر شدن شما در مسایل مالی است تا بتوانید اطلاعات مالی تان را پردازش کنید و راه تان را به سوی آرامش مالی ابدی پیدا کنید. خلاصه این که درباره ثروت مند شدن از طریق زیرک تر شدن است. این کتاب درباره تقویت هوش مالی تان است.

مقدمه

آیا پول شما را ثروت مند می کند؟

فقط کافی است مردم کشور نظام بانکی و پولی ما را درک کنند چون اگر بفهمند، مطمئنم که قبل از طلوع خورشید فردا انقلابی رخ خواهد داد.

پاسخ منفی است. پول به تنهایی شما را ثروت مند نمی کند. ما همه کسانی را می شناسیم که هر روز سرکار می روند، برای کسب پول تلاش می کنند یا هر روز پول بیش تری درمی آورند، اما در ثروت مند شدن ناموفق اند. عجیب این که، بیش ترشان با هر دلاری که در می آورند فقط بیش تر زیر بار بدهی می روند. ما همه داستان های برندگان بخت آزمایی را شنیده ایم، لحظه ای میلیونر، لحظه ای دیگر دوباره فقیرند.

داستان هایی نیز درباره املاکی (دارایی غیرمنقولی) که ضبط شده اند، شنیده ایم. به جای ثروت مند کردن مالکان خانه ها و تضمین مالی بیش تر، خانه شان را از دست داده و رانده شده اند. بسیاری از ما افرادی را می شناسیم که پول سرمایه گذاری شده در بازار سهام را از دست داده اند، شاید شما هم یکی از آن کسان باشید. حتی سرمایه گذاری در بازار طلا - تنها پول واقعی دنیا - می تواند به قیمت تمام ثروت سرمایه گذار تمام شود.

وقتی جوان بودم، طلا اولین سرمایه گذاری واقعی ام بود. قبل از سرمایه گذاری در املاک شروع به سرمایه گذاری در طلا کردم. در سال ۱۹۷۲ در سن بیست و پنج سالگی شروع به خریدن سکه های طلا کردم، وقتی هر اونس طلا تقریباً ۷۰ دلار بود. در سال ۱۹۸۰ هر اونس طلا به ۸۰۰ دلار رسید. بحران شروع شد.

طمع بر احتیاط مستولی می‌شود. شایع شده بود که طلا به ۲۵۰۰ دلار خواهد رسید. سرمایه‌گذاران طماع شروع به جمع کردن و خریدن طلا می‌کنند، حتی با این‌که هرگز این کار را انجام ندادند، اما به جای فروختن سکه‌های طلا و سود کم، من در حالت تعلیق بودم، امیدوار بودم طلا بالاتر برود. حدود یک سال بعد، هر اونس طلا به زیر ۵۰۰ دلار رسید. بالاخره آخرین سکه‌ام را فروختم. از سال ۱۹۸۰، دیدم که طلا، پایین‌تر و پایین‌تر رفت تا این‌که در سال ۱۹۹۸ به زیر ۲۵۰ دلار رسید.

اگرچه سود زیادی نکردم اما طلا درس‌های ارزش‌مندی درباره پول به من داد. وقتی فهمیدم با سرمایه‌گذاری در پول واقعی یعنی طلا ممکن بود پولم را از دست بدهم، فهمیدم طلا دارایی نیست که ارزش‌مند باشد. اطلاعات درباره دارایی است که در نهایت انسان را فقیر یا ثروت‌مند می‌کند. به عبارت دیگر، املاک، شرکت سرمایه‌گذاری، کسب و کارها، یا پول نیست که انسان را ثروت‌مند می‌کند، اطلاعات دانش، آگاهی، خرد، کاردانی و سرانجام هوش مالی است که کسی را ثروت‌مند می‌کند.

درس‌های گلف یا باشگاه‌های گلف

یکی از دوستان من حامی پروپاقرص ورزش گلف است. سالی هزاران دلار صرف عضویت در باشگاه‌های جدید می‌کند و هر ابزار گلف جدیدی که به بازار می‌آید، خریداری می‌کند. مشکل این است که یک رمال صرف آموزش و یادگیری گلف نمی‌کند. بازی گلفش در همان سطح باقی مانده بود حتی با این‌که آخرین و بهترین تجهیزات گلف را در اختیار داشت. اگر او آن مبالغ را در آموزش و یادگیری گلف سرمایه‌گذاری می‌کرد و از چوب‌های سال گذشته استفاده می‌کرد، ممکن بود گلف‌باز بهتری شود.

همین پدیده دیوانه‌وار در بازی پول رخ می‌دهد. میلیون‌ها نفر، پولی را که به سختی به دست آورده‌اند در دارایی‌هایی مثل سهام، املاک سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما تقریباً هیچ مبلغی را صرف اطلاعات نمی‌کنند. بنابراین امتیازهای مالی‌شان تقریباً در سکون و توقف باقی می‌ماند.

نه یک فرمول جادویی

این کتاب، کتابی برای سریع‌تر پول‌دار شدن یا درباره فرمول‌های جادویی نیست. این کتاب برای تقویت هوش مالی شماست. درباره ثروت‌مند شدن یا زیرک‌تر شدن است. درباره پنج هوش مالی اساسی است که در ارتباط با پول‌دار شدن بدون توجه به عملکرد بازار اقتصاد سهام یا املاک است.

قوانین جدید پول

این کتاب درباره قوانین جدید پول است. قوانینی که در ۱۹۷۱ تغییر کرد. به خاطر این تغییرات در قوانین است که قوانین قدیمی، کهنه و منسوخ شده است. یکی از دلایلی که مردم از نظر مالی درگیر هستند این است که براساس قوانین قدیمی عمل می‌کنند، قوانینی مثل سخت کار کردن، پس‌انداز کردن، زیر بار بدهی نرفتن، سرمایه‌گذاری طولانی مدت در یک سهام، اوراق قرضه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری. این کتاب درباره بازی بر اساس قوانین جدید است. اما این کار نیازمند تقویت هوش مالی و اطلاعات است. بعد از خواندن کتاب، بهتر می‌توانید تعیین کنید برای‌تان بهتر است طبق قواعد قدیمی یا براساس قواعد جدید بازی کنید.

یافتن نبوغ مالی‌تان

فصل ده این کتاب، درباره یافتن نبوغ مالی با استفاده از هر سه بخش مغز است. همان‌طور که اکثراً می‌دانیم سه قسمت از مغز عبارتند از چپ، راست و بخش نیمه‌آگاه مغز.

علت این‌که بیش‌تر مردم ثروت‌مند نمی‌شوند این است که در آنان ضمیر نیمه آگاه قدرت‌مندترین قسمت مغز است. برای مثال ممکن است مردم درباره املاک مطالعه کنند و دقیقاً بدانند از طریق سمت راست یا چپ مغزشان چه باید بکنند. اما قسمت نیمه آگاه قدرت‌مند مغزشان می‌تواند کنترل را به دست گیرد و بگوید: "آه، اقدامی بسیار پرخطر است. اگر پولت را از دست بدهی چه؟ اگر اشتباه کنی چه؟ در این مثال، احساس ترس باعث می‌شود ضمیر نیمه آگاه برخلاف

خواسته‌های طرف چپ و راست مغز عمل کند. اگر بخواهم ساده‌تر بگویم، برای ارتقای نبوغ مالی‌تان مهم است اول بدانید چه‌طور هر سه قسمت مغز را هماهنگ کنید تا با هم کار کنند نه بر ضد هم. این کتاب توضیح می‌دهد چه‌طور این کار را بکنید.

خلاصه

بیش‌تر مردم باور دارند برای به دست آوردن پول باید پول داشت. این درست نیست. همیشه به خاطر داشته باشید اگر بتوان با سرمایه‌گذاری در بازار طلا، پول از دست بدهید می‌توانید همه جا پول از دست بدهید. در نهایت، طلا، ملک، کار سخت یا پول نیست که شما را ثروت‌مند می‌کند، آن‌چه درباره آن‌ها می‌دانید شما را پول‌دار می‌کند. هوش و دانش مالی است که شما را ثروت‌مند می‌کند. لطفاً بخوانید و با زیرک‌تر شدن، ثروت‌مند شوید.